



پرونده دانشجویی

گرایش

روی میزِ فانوس

فصلنامه داخلی هیأت محبان اهل بیت (ع)

یکشنبه ۱۶ آذر ۱۳۹۹

۲۱ ربیع الثانی ۱۴۴۲ ۶ دسامبر ۲۰۲۰

شماره هفتم • دوره جدید

۲۲ صفحه • رایگان

● در این شماره می‌خوانیم:

● **اساسی‌ترین کمبود دانشکده‌ی علوم پزشکی گرایش**

گفت‌وگو با فاطمه حیدری، معاون آموزش، تحقیقات، دانشجویی و فرهنگی دانشکده علوم پزشکی

● **دانشگاه امام صادق، از زبان یک گراشی امام صادقی**

گفت‌وگو با حسنعلی محسنی، تحصیل‌کرده‌ی دانشگاه امام صادق (ع)

● **دانشجویی که باید روزی نیروی انسانی شهر باشد**

یادداشت مجتبی بنی‌اسدی، معلم و سردبیر فانوس

● **تحلیلی آماری بر قبولی‌های پنج سال اخیر گراشی‌ها در دانشگاه‌های دولتی**

یادداشت یونس زارعی، دانشجو معلم و دبیر نردبان

● **سه سؤال اساسی در باب علم‌آموزی**

یادداشت ابراهیم جولافیان، کارشناس علوم تربیتی

● **هیأت محبان اهل بیت (ع) در نردبان**

گفت‌وگو با پنج عضو مشترک هیأت محبان اهل بیت (ع) و شورای مرکزی نردبان

● **آسیب‌های اجتماعی نوجوانان از بیان تاراه‌کار**

گفت‌گو با محسن افشار، فعال فرهنگی-اجتماعی

● **بررسی چارت تشکیلاتی هیأت محبان اهل بیت (ع) و فعالیت‌های دو ماهه‌ی مهر و آبان**

به همراه برنامه‌ی اجرایی آذرماه

با آثاری از:

ابراهیم جولافیان، خسرو جولافیان، علی‌اکبر مقتدری، عبدالحمید یوسفی، راضیه سیاح، محمدجواد سیاح، علی سجادی، یونس زارعی، محمد بنی‌اسدی، محمدامین نورانی، مجتبی بنی‌اسدی، محمد صالح شاکری، علی محمدی، محمد شیروان، محمد دانشور، سجاد فیروزی، محمد نجاتی، میثم کهنسال، محمدرضا آذرآئین، مجید فیروزی، علی قائدی و محمد مهدی روانشاد

خواهند گشت، و این خلأ پر نخواهد شد مگر به همت نیروهای بومی.

پیشنهادتان برای رفع کمبود نیروی انسانی و استقبال گراشی‌ها از دانشکده علوم پزشکی گراش چیست؟
پیشنهاد می‌شود در ابتدا طی یک بررسی علمی (ترجیحا مطالعه کیفی) دلایل عدم استقبال دانش‌آموزان و داوطلبان گراشی از تحصیل در دانشکده علوم پزشکی گراش مشخص شود و سپس بر اساس نتایج حاصل از آن، راهکارها و پیشنهادهای مناسب ارائه گردد. همچنین ارائه اطلاعات صحیح به دانش‌آموزان و خانواده‌ها، هدایت تحصیلی داوطلبین توسط افراد آگاه، از ابتدای ورود به مقطع متوسطه و نیز بازدیدهای میدانی از دانشکده و مراکز مختلف بهداشتی درمانی که محل اشتغال آینده فارغ‌التحصیلان خواهد بود، می‌تواند در انتخاب آنان موثر باشد. همچنین آگاهی از مزایای تحصیل دانشجوی در محل سکونت خود می‌تواند سبب تشویق داوطلبین و خانواده‌ها به انتخاب رشته‌های موجود در این دانشکده کمک کند.

برخی از این مزایا عبارت است از:

- کاهش هزینه‌های تحصیل از جمله هزینه اسکان در خوابگاه، تهیه غذا، هزینه رفت و آمد بین شهر محل سکونت و شهر محل تحصیل
- عدم اقامت در خوابگاه و عدم تجربه مشکلات ناشی از زندگی خوابگاهی
- زندگی در کنار خانواده و جلوگیری از بروز اثرات روانی و اجتماعی ناشی از دوری خانواده، کمبود امکانات زندگی و مشکلات اقتصادی و رفاهی، اختلافات فرهنگی و ...
- شناخته شدن دانشجوی توسط مدیران و رؤسای مراکز آموزشی، بهداشتی و درمانی وابسته به دانشکده علوم پزشکی گراش و تسهیل به کارگیری و استخدام آنان در این مراکز پس از فارغ‌التحصیلی

”

کمبودها در دانشکده، کمبود نیروی انسانی اعم از هیأت علمی و غیر هیأت علمی است

آموزش دانشکده علوم پزشکی در چه سطحی است؟
دانشکده گراش یک دانشکده مستقل علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی محسوب می‌شود و طبیعتا از نظر امکانات و شرایط سخت‌افزاری و نرم‌افزاری وضعیت متفاوتی نسبت به دانشگاه‌های دیگر دارد. لذا به هنگام ارزیابی، بایستی دانشکده گراش را با سایر دانشکده‌های مستقل کلان منطقه و کشور مقایسه کرد. معاونت آموزش دارای واحدها، زیر مجموعه‌ها و گروه‌های آموزشی مختلف است که در ارزیابی این‌ها ممکن است نتایج مختلفی بدست بیاید به نحوی که عملکرد یک واحد یا گروه نسبت به دانشکده‌های هم سطح خود در وضعیت عالی و عملکرد برخی دیگر در سطح متوسط و یا پایین باشد. ولی به طور کلی نتایج و گزارش‌های حاصل از ارزیابی درونی و بیرونی دانشکده حاکی از آن است که وضعیت آموزشی دانشکده رو به رشد می‌باشد. که این مهم حاصل تلاش‌ها و زحمات معاونین قبلی دانشکده، مدیران گروه‌های آموزشی، اساتید هیأت علمی، کارکنان، دانشجویان و نیز اهتمام ویژه ریاست محترم دانشکده و اعضای هیات رئیسه به امر آموزش است.

در راستای ارزیابی سطح آموزشی این دانشکده خدمت‌تان عرض کنم هر ساله تعدادی از دانشجویان ما در مقطع کارشناسی ارشد علوم پزشکی پذیرفته می‌شوند که بعضی از این افراد به دلیل دانشجوی استعداد درخشان بودن، بدون آزمون در مقطع فوق لیسانس پذیرفته شدند. سال گذشته یک دانشجوی ما بدون آزمون در رشته هماتولوژی (خون شناسی) علوم پزشکی تهران پذیرفته شد که باعث تعجب کلان منطقه بود که بهترین رشته مقطع ارشد علوم آزمایشگاهی نصیب دانشجوی یک دانشکده مستقل شده است. امسال هم ۵ پذیرفته ارشد داشتیم که دو نفر باز با سهمیه استعداد درخشان بودند. البته تعداد بیشتر از این قبولی داشتیم ولی شاخص‌ترین همین رشته بود.

کمبودهای دانشکده علوم پزشکی چیست؟

تنها کمبود ما در دانشکده، کمبود نیروی انسانی اعم از هیأت علمی و غیر هیأت علمی است. الحمدلله ما از نظر زیرساخت فیزیکی کمبودی نداریم، اما بسیاری از مواقع فرصت‌های جذب نیرو به علت نبود نیروی بومی نصیب نیروهای غیربومی می‌شود. عزیزانی که از دیگر شهرها نیز می‌آیند به جرأت می‌توانم بگویم افراد توانمندی هستند، اما این را باید قبول کرد که افراد غیربومی در پایان، روزی به شهر خود باز

اساسی‌ترین کمبود دانشکده علوم پزشکی گراش

فاطمه حیدری، معاون دانشکده: بعد از سال ۹۲ که دانشکده گراش مستقل گردید، تاکنون فقط ۱۹ نفر گراشی در این مرکز تحصیل کرده‌اند.



- عدم تمایل داوطلب برای تحصیل در رشته‌های موجود
- تمایل جهت ادامه تحصیل در شهری غیر از محل سکونت و کسب تجربه سکونت در محیط‌های جدید، زندگی خوابگاهی و ...
- تمایل جهت تحصیل در دانشگاه‌هایی با امکانات و سطح علمی و آموزشی مورد انتظار داوطلب

”

اکثر گراشی‌ها، تعدادی از دانشجویان ساکن شهرهای همجوار یا استان فارس بعد از فارغ التحصیلی، در بیمارستان یا دانشکده مشغول به کار شده‌اند.

نظر دانشجویان بومی و غیربومی در مورد دانشکده علوم پزشکی گراش چیست؟

این نظر سنجی را باید از خود دانشجویان پرسید، ولی بازخوردهایی که ما از اساتید و همکاران خارج از گراش دریافت می‌کنیم، گویای این است که دانشجویان ما دارای سطح علمی خوبی هستند. به طوری که شاید بسیاری از دانشجویان ما که برای گذراندن دوران طرح خود به بیمارستان‌های خارج از گراش می‌روند نسبت به دانشجویان دیگر شهرستان‌ها دارای سطح علمی بهتری می‌باشند.

ارزیابی سطح علمی و آموزشی دانشکده علوم پزشکی از نظر معاونت

گفت‌وگو



محمد شیروان
دانشجومعلم

داشتن مراکز آکادمیک علمی و آموزشی برای هر شهرستانی موجب افتخار است. شهرستان گراش با در اختیار داشتن دانشکده علوم پزشکی نیز موجب افزایش سطح علمی و آموزشی شهرستان و نیز منطقه گردیده است. به عنوان یک گراشی تا چه اندازه با این دانشکده آشنایی داریم؟ آیا تا کنون اطلاعات دقیقی در این رابطه جمع‌آوری کرده‌ایم؟ روز دانشجوی و استقبال کم گراشی‌ها از این ظرفیت علمی و آموزشی، بهانه‌ای شد برای گفت‌وگو با معاونت آموزشی دانشکده علوم پزشکی گراش. فاطمه حیدری، کاردانی هوشبری، کارشناسی پرستاری و کارشناسی ارشد مراقبت‌های ویژه دارد. مصاحبه‌ی کامل را بخوانیم:

به عنوان اولین سؤال، چه رشته‌هایی در دانشکده علوم پزشکی گراش ارائه می‌شوند؟

دانشکده علوم پزشکی گراش که به عنوان یکی از مراکز زیرمجموعه دانشگاه شیراز شروع به کار نمود، اولین رشته‌ای که ارائه گردید، علوم آزمایشگاهی بوده است. رشته‌های دایر در دانشکده علوم پزشکی گراش در حال حاضر شامل: کارشناسی پرستاری، کارشناسی پیوسته اتاق عمل، کارشناسی ناپیوسته اتاق عمل، کارشناسی هوشبری، کارشناسی ناپیوسته هوشبری، کارشناسی پیوسته علوم آزمایشگاهی، کارشناسی ناپیوسته علوم آزمایشگاهی و کاردانی‌های پزشکی می‌باشد. رشته‌هایی نیز در مقطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد در حال پیگیری است که به رشته‌های مورد ارائه دانشکده اضافه گردند، اما دلیل قطعی نبودن آن از بیان نام رشته خودداری می‌کنم.

گرایش دانشجویان گراشی، نسبت به دانشکده علوم پزشکی گراش به چه شکل است؟

سالیانه تعداد قابل توجهی دانشجوی جدیدالورود از شهرستان‌های مجاور از جمله: لارستان، اوز، خنج و شهرها و بخش‌های تابعه این شهرستان‌ها داریم ولی متأسفانه استقبال گراشی‌ها کم است. بهتر است دلیل را از خود گراشی‌ها پرسید که چرا دانشکده گراش را به عنوان محل تحصیل خود انتخاب نمی‌کنند. بعد از سال ۹۲ که دانشکده گراش مستقل گردید، تاکنون فقط ۱۹ نفر گراشی در این مرکز تحصیل نموده‌اند.

یکی از دغدغه‌های دانشجویان داشتن تضمین شغلی است، وضعیت شغلی دانشجویان بومی دانشکده علوم پزشکی به چه شکل است؟

دانشجویی که باید روزی نیروی انسانی شهرش باشد



مجتبی بنی‌اسدی
سرمدیبر

نداریم. درست شنیدید، نیروی انسانی نداریم. آموزش و پرورش می‌نالد، دانشکده هم می‌نالد. چه کنیم؟ نیروی انسانی تربیت کنیم. دیگر دوران «بگو، در رو» تمام شده است. باید همه‌ی کسانی که الان نیروی انسانی شهر محسوب می‌شوند، نیروی انسانی آینده را تأمین کنند. چگونه؟

یک تجربه‌ی شخصی

دبیر زیست خیلی از تجربی‌های گراش، از جمله ما، یعقوب سعادت بوده است. بخش‌هایی از کتاب را تقسیم می‌کرد بین دانش‌آموزان. که چه کار کنند؟ بیایید تدریس کنید. که چه بشود؟ ما خوشحال که چند نمره از مسترمان آماده شد. اما وقتی یک نفر ارائه می‌داد، خوب هم ارائه می‌داد، می‌گفت: «آفرین خیلی خوب بود، تو به درد معلم شدن می‌خوری». نمی‌خواهم بگویم این جمله چهار نفر از کلاس ما را معلم کرد، نه، اما آقای سعادت در جای خود قدمی برداشته است. حداقل الان می‌دانم که ما معلم هستیم، آن جمله را فراموش نکرده‌ایم. بماند که چه ذوقی هم می‌کردیم. بگذریم از مرضی دارشی و ابوالحسن زارعی و معلم‌ان دیگر که چطور هوای‌مان را داشتند. چند قدم برگردیم عقب؛ حسن جعفری هم در معلم شدن معلم‌ان ما مؤثر بود. اگر ده تا مثل حسن جعفری داشتیم، الان چند معلم درجه یک دیگر داشتیم؟

یک دست صدا دارد / ندارد؟

هر مدرسه حداقل سه معلم دغدغه‌مند دارد (دانشکده هم همچون نیروهایی دارد). پیدا کردن دانش‌آموزان علاقمند به معلمی سخت نیست. اگر هر مدرسه با ظرفیتی که دارد، بتواند کادر دفتری و آموزشی خودش را تأمین کند، سی سال بعد آیا کسی فریاد «کمبود نیروی انسانی» در آموزش و پرورش سر خواهد داد؟ بعید می‌دانم. البته نه فقط متوسطه دوم، که متوسطه‌ی اول و ابتدایی هم می‌توانند نقش بسزایی در تأمین نیروی انسانی داشته باشند. چه معلم‌هایی که وقتی در سنین ابتدایی از آن‌ها پرسیدند: «در آینده می‌خواهی چکاره شوی؟» نگفت می‌خواهم معلم بشوم، اسم معلم‌شان را می‌آورد و می‌گفت: «فقط می‌خواهم مثل آقای...شوم».

این «آقا»ها در گراش زیاد شود، خیلی از مشکلات حل می‌شود.

دانشگاه امام صادق (ع) از زبان یک گراشی امام صادقی



علی سجادی
دانشجوی اقتصاد

چطور می‌شود وارد دانشگاه امام صادق (ع) شد؟

برای ورود به دانشگاه امام صادق (ع) در سالی که کنکور دارید ابتدا لازم است در خود دفترچه کنکور تیک علاقه‌مندی دانشگاه امام صادق (ع) را ثبت کنید و البته باید جداگانه در سایت خود دانشگاه هم ثبت‌نام کنید. بعد از آن دانشگاه ابتدا افراد را بر اساس معدل قبل از کنکور و سپس افرادی را که

مقام معظم رهبری در غدیر ۸۴ با دانشجویان و مدیران دانشگاه، در مقطع اول و تأسیس دانشگاه توسط آیت‌الله مهدوی کنی و جمعی از یاران انقلاب، هدف کادرسازی و تربیت نیرو برای نظام بود و این افراد باید کسانی باشند که علاوه بر آشنایی با معارف اسلامی دارای تخصص در علوم انسانی نیز باشند. اما پس از دیدار با رهبری این مأموریت دانشگاه به صورت کلی تغییر کرد و درخواست رهبری این بود

ورودی از گراش: هیچ

حسنعلی محسنی: از سالی که من وارد دانشگاه امام صادق (ع) شدم حدود سه چهار نفر از دوستان لاری وارد دانشگاه شدند شاید هم بیشتر؛ ولی از گراش هیچ.

که دانشگاه امام صادق (ع) باید به سمت مرجعیت علمی حرکت کند.

مدیریت دانشگاه توسط جریان و شورای خاصی انجام می‌شود؟

دانشگاه دارای یک هیأت امنا منتخب رهبری است که وظیفه انتخاب مدیریت دانشگاه را برعهده دارد و البته وابسته به جریان خاص سیاسی نیست. بعد از فوت آیت‌الله مهدوی ریاست این هیأت برعهده آیت‌الله آملی لاریجانی است.

امکانات آموزشی و رفاهی دانشگاه در مقایسه با دیگر دانشگاه‌ها چگونه است؟
امکانات دانشگاه در تراز بقیه دانشگاه‌ها قرار دارد و البته این

دانشگاه قبل انقلاب شعبه ایرانی دانشکده مدیریت هاروارد بوده است. در مورد امکانات رفاهی دانشگاه مفصل در سایت خود دانشگاه می‌توان به روایت تصویر مشاهده کرد.

آیا دانشگاه امام صادق (ع) به ویژگی خاصی مشهور است؟

دانشگاه امام صادق (ع) به یک فرهنگ سازمانی خاصی مشهور است به همین منظور به اشخاصی که در این دانشگاه درس می‌خوانند می‌گویند فلانی امام صادقی است و عموم دانشجویان مذهبی هستند چون گزینش این دانشگاه این چنین است.

آیا در هیأت علمی دانشگاه، از شخصیت‌های لشکری و کشوری استفاده می‌شود؟ اگر چنین است به استثنای یا به قاعده؟
شخصیت‌های کشوری که مسئولیت‌های اجرایی برعهده دارند عمدتاً وارد فضای علمی نمی‌شوند. اما در مورد اعضای هیأت علمی دانشگاه بهتر است بگوییم هر کدام در رشته خودشان افراد شناخته شده‌ای هستند.

دانشگاه مذکور در مقام مقایسه با دانشگاه‌های مشابه بین‌المللی در چه رتبه و جایگاهی قرار دارد؟

رتبه‌بندی‌های دانشگاهی عمدتاً برای دانشگاه‌های بزرگ کشور مطرح است و چون دانشگاه امام صادق (ع) شاخص لازم مانند تعداد دانشجو و عدم تنوع رشته‌ها رو دارا نمی‌باشد. پس نمی‌توان در رتبه‌بندی‌ها به دنبال جایگاهی برای این دانشگاه بود. البته این ویژگی‌های دانشگاه به خاطر تخصصی بودن دانشگاه است.

چه چیزی دانشگاه امام صادق (ع) را متمایز از بقیه دانشگاه‌ها قرار داده است؟

چون خروجی‌های دانشگاه عمدتاً وارد مناصب بالای دولتی شدند پس دانشگاه از نفوذ و قدرت بالایی در ساختار حاکمیت برخوردار است. البته به تجربه خود من اصل دانشگاه

همان فرهنگ امام صادقی است نه قدرت و نفوذ. و توصیه می‌کنم افرادی که دارای این روحیه مذهبی و اعتقادی هستند حتماً در این دانشگاه ثبت‌نام کنند و هدفشان این نباشد که به شغل و جایگاهی برسند چرا که هدف اول دانشگاه هم‌اکنون مرجعیت علمی است.

گراش چقدر به فارغ التحصیلان این دانشگاه احتیاج دارد؟

برای داشتن گراشی مطلوب به علم، ثروت و حضور در ساختار سیاسی نیاز داریم. نسل قبلی توانستند ثروت و سرمایه را به گراش بیاورند اما الان ما نیاز به علم و قدرت داریم. نه علم بدون ثروت و نه ثروت بدون علم چندان مناسب نیست. در واقع برای برای ایجاد تغییر در جامعه به هر دو این‌ها نیاز است و به طور ویژه برای گراش پارامتر سوم یعنی حضور در ساختار سیاسی را باید توجه کرد.

در ایران موضوع مرکز-پیرامون وجود دارد؛ مرکز جایی است که قدرت وجود دارد و پیرامون هر جایی که از مرکز قدرت دور است که به صورت جغرافیایی نیز این مرکز قدرت تهران است و این اتفاق ناگوار باعث شده افرادی که به مرکز نزدیک هستند دارای قدرت و نفوذ بیشتری باشند و اگر گراش نیز دارای این افراد بود ما می‌توانستیم امکانات و مزیت بیشتری را برای گراش جذب کنیم. من از شهر لار مثال می‌زنم، بسیاری از پدران لاری (نسل قبلی) با ورود به دانشگاه‌های معتبر مرکز و شهرهای بزرگ و همچنین ورود به ساختارهای سیاسی باعث شدند نفوذ بسیار بالایی را برای شهر خودشان داشته باشند. ما متأسفانه چنین نفوذی نداریم نه به لحاظ علمی و نه ورود به ساختار سیاسی.

دانشگاه امام صادق (ع) راهی برای داشتن هر دو گزینه است در دانشگاه امام صادق (ع) فقط دو گراشی حضور داشتند و جالب اینجاست از سالی که من وارد دانشگاه شدم فکر کنم ۳ الی ۴ نفر از دوستان لاری وارد دانشگاه شدند شاید هم بیشتر ولی هیچ گراشی وارد نشد.



متولد ۱۳۷۱ است. مقاطع تحصیلی ابتدایی و راهنمایی را در گراش گذرانده و از دبیرستان شهید نصیری لار وارد دانشگاه شد. سال ۸۹ برای تحصیل در رشته مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع) را انتخاب کرد و در سال ۹۶ مقطع کارشناسی ارشد را در همین دانشگاه پشت سر گذاشت و بلافاصله در سال ۹۶ وارد دانشگاه تهران شد و تحصیل خود را در مقطع دکتری سیاست‌گذاری بازرگانی ادامه داد و هم‌اکنون در حال تکمیل رساله دکتری خود می‌باشد. سوژه‌ی دانشجویی ما، دکتر حسنعلی محسنی است. گفت‌وگو با یک گراشی تحصیل کرده‌ی دانشگاه امام صادق (ع) به خودی خود می‌تواند جذاب باشد. از تاریخچه‌ی مختصر دانشگاه امام صادق (ع) تا پاسخ به این سؤال که چرا باید گراشی‌ها در این دانشگاه تحصیل کنند را در این گفت‌وگو بخوانید:

چرا ۱۶ آذر رو گذاشتن روز دانشجو؟ دانشجو: تا به حال بهش توجه نکردم!



علی محمدی
کنکوری

با سلام و درود خدمت دوستان فهیم و بزرگوار، ابتدا به ساکن سؤالی داشتم که انتها به متحرک، به جوابی که انتشارش را داریم برسیم: به نظر شما چرا روز ۱۶ آذر به نام روز دانشجو نامگذاری شده است؟

بسیار واضح و مبرهن است که شما، خود جواب این سؤال سطحی را می دانید. اما لازم است یادآور شوم مقداری دندان به جگر خسته‌ی خویش بگذارید و این پرسش و پاسخ ما را با دوستان دانشجو، مورد تأمل قرار دهید. باشد که این پاسخ‌های تخصصی، شما را به آینده این مرز و بوم امیدوار کند. بیش از این منتظر نمی‌گذاریمتان. این شما و این پرونده جذاب.

دانشجوی شماره یک:

پس از پرسش سؤال و مدت طولانی انتظار، جوابی بس حیرت‌آور و شگفت فرمود: «کتابخانه‌ای؟» ما همچنان مجدد سؤال را تکرار کردیم! و دو تیک آبی...! و رفت که رفت! لطفاً به ایشان برسایند که ما همچنان منتظر پاسخ‌شان هستیم.

دانشجوی شماره دو:

پس از پرسش، ایشان که به دلیل چند قرار کاری کوتاه، ده دقیقه بعد به ما وقت دادند، انصافاً جواب کاملی هم دادند. می‌توانید ببینید: «روز دانشجو، به ۱۶ ماه آذر نامیده شده».

«این روز، به یاد سه دانشجو که هنگام اعتراض به دیدار رسمی ریچارد نیکسون معاون رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا و همچنین از سرگیری روابط ایران با بریتانیا، در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۳۲ (حدود چهار ماه پس از کودتای ۲۸ مرداد همان سال) در دانشگاه تهران کشته شدند، نامگذاری شده است.»
الحق و الانصاف که درود به گوگل و به پدیدآورنده گوگل! خوب شاید بگویید چرا آنقدر زود قضاوت کردی؟ پاسخ دانشجوی بعدی شما را مجاب خواهد کرد.

دانشجوی شماره سه:

بعد از پرسش، ایشان فرمودند: «برای چی؟» «کشته شدن چنتا دانشجو»

«سال ۳۲» و پس از اینکه ما گفتیم برای جایی معتبر می‌خواهیم چاپ کنیم، این‌بار ابتدا بعد از ارسال ایموجی تفکر و سپس فرمودند: «روز دانشجو، در ایران به ۱۶ ماه آذر اطلاق می‌شود. این روز، به یاد سه دانشجو که هنگام اعتراض به دیدار رسمی ریچارد نیکسون معاون رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا و همچنین از سرگیری روابط ایران با بریتانیا، در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۳۲ (حدود چهار ماه پس از کودتای ۲۸ مرداد همان سال) در دانشگاه تهران کشته شدند، گرامی داشته می‌شود.»

ما حرفی نداریم. خودتان و وجدان‌تان. دیگر. ادامه‌ی مطلب:

دانشجوی شماره چهار:

چون ما اول یک متن را برای یک نفر نوشتیم و همان را فوراً رد کردیم، اسم دانشجوی اول در همه پیام‌ها مانده بود! لیکن ایشان اول فرمودند: «من فلانی نیستم‌ها!» ما نیز گفتیم سؤال را جواب بدهید و ما می‌دانیم! و ایشان دو دقیقه بعد در جوابی مختصر و مفید فرمودند: «به یاد بود شهدایی که در اعتراض بادیار با نیکسون رئیس‌جمهور آمریکا شهید شدند حضرت آقا این روز رو روز دانشجو نامیده‌اند فک کنم، سه شهید.» راستش از محدود جواب‌هایی بود که شک داریم گوگل زحمتش را کشیده یا آن مغز محترم.

دانشجوی شماره پنج:

ما نیز از عزیز بزرگوار از دانشجویان به نام، این سؤال را پرسیدیم و جوابی که ارسال کردند ما را به فکر فرو برد و اندکی تأمل و تعقل را قاطعی نموده و حیرت‌زده سر به بیابان نهادیم! چون احتمالاً تنها امید مملکت‌مون همین شخص است ولا غیر! این هم جواب: «سلام علی آقا.»

کوتاه و مختصر:
«۱۶ آذر مال دانشجوی ضدنیکسون است، دانشجوی ضدآمریکاست، دانشجوی ضدسلطه است.»
منصفانه نگاه کنیم این جواب نسبتاً بهتر بوده!

دانشجوی شماره شش:

ما با کلی امید و آرزو که این شخص از خانواده بزرگان (از لحاظ جسمی و ذهنی) است سؤال را پرسیدیم. جوابی که دریافت کردیم باعث می‌شود همین الان شما شماره سفارت‌خانه آمریکا را گرفته و دیگر دل به این نوگلان عرصه علم و دانش ندهید. جواب این سرمایه ملی: «سلام، تا حالا توجه نکردم.»

به همین سادگی! اصلاً چیزی نیست. توجه الطاف همایونی به چنین مسائل زخارف دنیوی و پوچ گرم نمی‌شود.

دانشجوی شماره هفت:

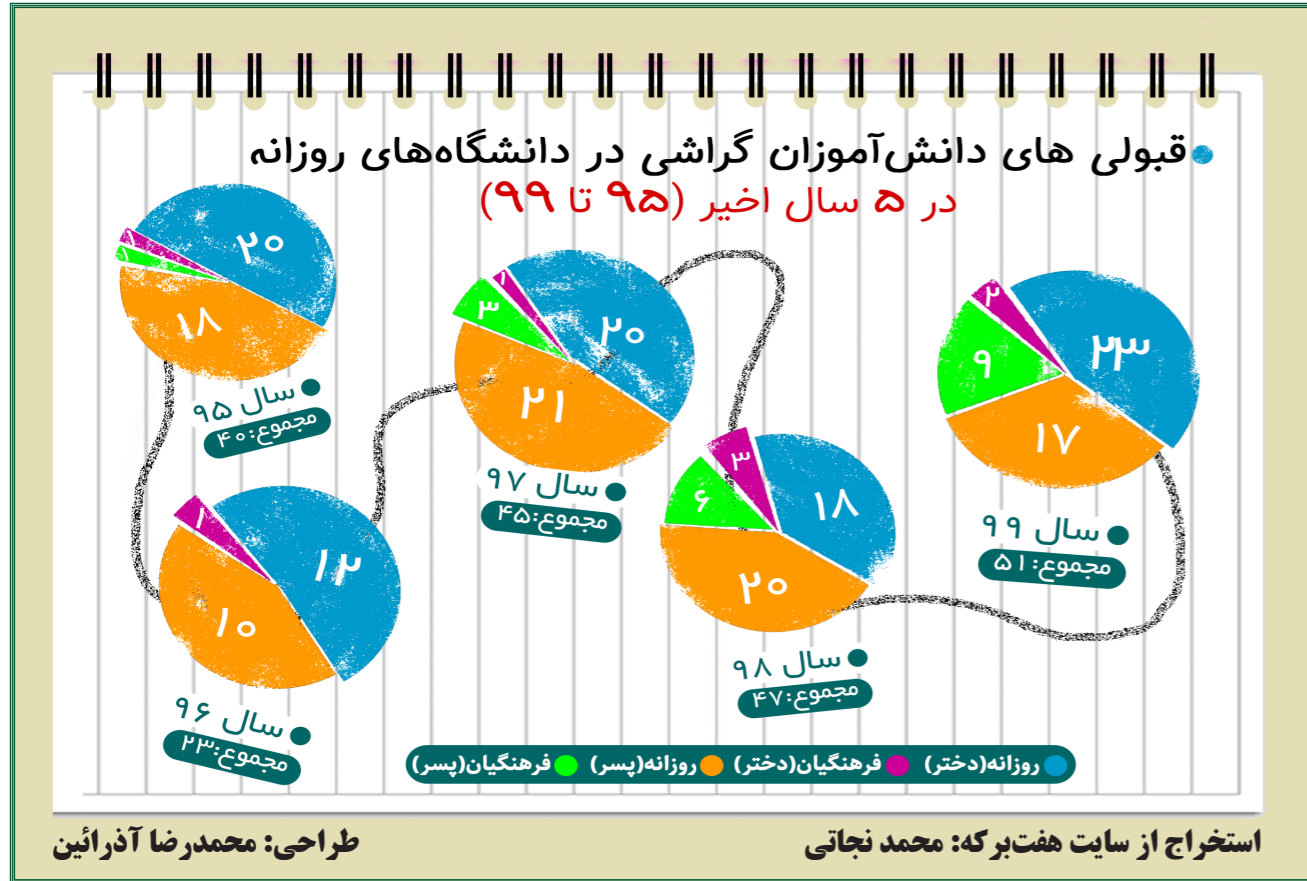
این جا داستان غم انگیز می‌شود. لطفاً یک جعبه دستمال کاغذی کنارتان داشته باشید. ما سؤال را از این بزرگ مرد پرسیدیم و جواب ایشان این بود: «من دیگه دانشگاه نمی‌رم!» ما از شان خواستیم شماره دوستان دانشجو را بدهند که گفتند: «اونا خوششون نمیداد.» و ما ماندیم و دستی که تا ارنج در پوست گردو فرو رفته بود.

دانشجوی شماره هشت:

تا اینجا ما به الطاف الهی از زیر بار این جواب‌های کمر شکن در رفتیم و لیکن این یکی باعث شد دیگر کمر بشکنیم و قیام را رها کنیم. شاید با ریخته شدن خون ما این قیام ... آه! بیخشید یک لحظه خط رو خط شد. می‌گفتیم، باعث شد با شکستن این کمر راهی بیمارستان شویم. ادامه‌ی گزارش را از روی تخت بیمارستان برای‌تان بنویسیم. ببینید برای روزی یک لقمه پرونده‌ی حلال چقدر متحمل سختی می‌شویم؟ کسی هست که قدر بدانند؟ جناب سردبیر هم که ... ما ارادت داریم. از بحث دور شدیم! برگردیم به همان جواب. شما برای اولین بار در طول تاریخ بشریت و آفرینش می‌توانید ببینید که یک دانشجو قبول کرد که بلد نیست: «سلام، نمی‌دونم تحقیق کن.» البته که اگر نمی‌فرمودند ما تحقیق نکرده و بلکه معدن حفر می‌کردیم تا به جواب برسیم ولی این هیچی از ارزش‌های این دانشجویان که ذخایر ملی محسوب می‌شوند و باید ثبت ملی و یونسکو بشوند کم نمی‌کند.

به ما گفتند آخر گزارش یک نتیجه‌گیری هم داشته باشید که خودتان بهتر از ما می‌دانید. من چه دفاعی دارم از خودم بکنم. من بی‌گناهم. من فقط آدم اشتباهی در این جمع نوابغ بودم. خدا شاهد است من نه از اینها لگو گرفتم نه از الگوی اینها لگو! من فقط با آن‌ها مصاحبه کردم. نمی‌توانید تصور کنید چقدر سخت است که بخواهی از این همه نخیه و نابغه یک جا مصاحبه بگیری. دوباره کمرم درد گرفت! شما را نمیدانم ولی دکتروم بعد دیدن این متن، من را سه ماه تبعید کرده به هیمالیا. گفته روزی سه بار از خرهای کشور نیال با شیر نهنگ دریاچه ارومیه باید بخوری.

حالا یک سؤال! واقعا چرا ۱۶ آذر به نام روز دانشجو نام گذاری شده؟ آخ کمرم!



قبولی‌های سال ۹۹، امیدواری به آینده



یونس زارعی
دانشجو معلم و دبیر نردبان

با توجه با آمار پنج سال اخیر قبولی‌های دانش‌آموزان گراشی در دانشگاه‌های روزانه، از سال ۹۵ مجموع قبولی‌ها رو به افزایش است. البته در خصوص سال ۹۶، تعداد پذیرفته‌شدگان چه دختر و چه پسر کم بوده. البته قبولی‌های این سال برای رشته‌های پرطرفدار و همچنین دانشگاه‌های مطرح همچون بقیه سال‌ها بوده و فقط پذیرش در رشته‌های شناور و دانشگاه‌های کوچک کاهش یافته بود و برای تحلیل کلی، این سال را کمتر مورد بررسی قرار می‌دهیم. با توجه به افزایش تعداد کل پذیرفته‌شدگان از سال ۹۵ تا ۹۹، اما در سال‌های ۹۵

و ۹۸ تعداد کل قبولی‌های دختر ثابت بوده و افزایش را ما فقط در پسرها ملاحظه می‌کنیم اما در سال ۹۹ تعداد قبولی‌های دختر هم مثل پسرها افزایش داشته است. در سال ۹۵ و ۹۶ تعداد قبولی‌های کل دختران نسبت به پسرها بیشتر بوده اما از سال ۹۷ تاکنون پسرها گوی سبقت را در تعداد قبولی از دختران ربوده‌اند. در دو سال اخیر، استقبال دانش‌آموزان گراش از دانشگاه فرهنگیان و حرفه‌ی معلی افزایش چشم‌گیری داشته است که به نوبه‌ی خود امیدبخش است البته شاید بتوان یکی از دلایل افزایش

قبولی‌های فرهنگیان را، افزایش ظرفیت این دانشگاه، در سال ۹۸ و ۹۹ دانست. شاید بر اساس نمودار چنین برداشت شود که استقبال دانش‌آموزان دختر برای فرهنگیان در سال ۹۹ برخلاف پسرها نسبت به سال ۹۸ کمتر شده است؛ در صورتی که به ظاهر چنین است اما یکی از مهم‌ترین دلایل این اتفاق، محل خدمت‌های دور از شهر گراش برای دختران بود که باعث این اتفاق شد. در نهایت با بررسی کلی، می‌توان به ادامه‌ی روند صعودی پذیرش دانش‌آموزان گراشی در دانشگاه‌های سراسری و فرهنگیان در سال‌های آینده هم امیدوار بود.

سه تجربه‌ی متفاوت از تحصیلات دانشگاهی

پشیمانم از اینکه رفته‌ام
دانشگاه

علی اکبر مقتدری

اگر راهنما داشتیم، این
رشته را انتخاب نمی‌کردم

خسرو جولافیان

همه می‌گفتند می‌توانی
بروی در بانک کار کنی

عبدالحمید یوسفی

علی اکبر مقتدری هستم، متولد ۷۲. دبیرستان هر چهار سال سیدالهدشدا(ع) بودم. دوره‌ی ما مثل موش آزمایشگاهی بودیم. کتاب‌های ما با اسم پیش‌دانشگاهی بود، ولی می‌گفتند کلاس چهارم! دانشگاه در مقطع کاردانی رشته صنایع گرایش ایمنی صنعتی، کارشناسی هم مهندسی صنایع خوانده‌ام. دانشگاه هم غیرانتفاعی تابناک لامرد بوده‌ام و دانشگاه پیام نور اوز.

این رشته جزء رشته‌های برتر ریاضی بود. و واقعیتش این است که به عمران و معماری علاقه‌ای نداشتیم به همین خاطر صنایع را انتخاب کردم. البته آن زمان هم کسی نبود که ما را راهنمایی کند و مشورتی بدهد. تا اینکه تازه دو سه سال پیش فهمیدم که این رشته من چقدر جامع بوده. تا این حد که فهمیدم استخدامی بانک هم این رشته را می‌خواهد.

هم‌اکنون در فروشگاه تجهیزات آشپزخانه و کابینت سازی مشغول فعالیت هستم. در زندگی هیچ استفاده‌ای نکردم از این رشته‌ای که خوانده‌ام و الآن هم هیچ یادم نمی‌آید که چه‌ها خوانده‌ام در دانشگاه. الآن هم هیچ آزمون استخدامی شرکت نمی‌کنم چون دیگر علاقه‌ای ندارم. در کل هم پشیمانم از اینکه رفته‌ام دانشگاه. سال ۹۰ به معلمی علاقه داشتم که دانشگاه فرهنگستانی وجود نداشت. که دیگر سال بعد راه افتاد. اگر برگردم قبل و زمان کنکور، به جز دانشگاه فرهنگیان و دبیری، رشته دیگری نمی‌روم. اصلا دانشگاهی نمی‌روم با این وضعیت فعلی...

البته هم‌اکنون در مدرسه غیرانتفاعی معاون آموزشی هستم. و به کارهای آزاد مثل دوربین مدار بسته و دزدگیر هم مشغول هستم.

و این نکته فراموش نشود که اگر دانشگاه هیچ چیز هم نداشته باشد، همین که آدم یک دید جدید، یک سری رفتارهای اجتماعی جدید را یاد می‌گیرد، خودش نکته‌ی مثبتی می‌تواند باشد. و اگر باز شرایطش باشد، ادامه می‌دهم. به نظر من هرکسی باید تحصیلات دانشگاهی داشته باشد.

عبدالحمید یوسفی هستم. هنرستان شهید منفرد رشته‌ی کامپیوتر خوانده‌ام. رشته‌ای که دانشگاه خوانده‌ام هم حسابداری مالی بوده. رشته را به خاطر دوستم انتخاب کردم. چون دوستم می‌خواست برود رشته حسابداری. چون یک موقعیت کاری داشت در خارج از کشور. من هم در کنارش رفتم حسابداری مالی. کلا این رشته را نمی‌خواستیم. به رشته‌ی خبرنگاری، عکاسی و فیلمبرداری علاقه داشتیم. با توجه به اینکه در منطقه خودمان این رشته‌ها نبود و رشته‌ی دبیرستان من هم مرتبط نبود، نتوانستیم رشته‌هایی که علاقه دارم را شرکت کنیم.

با این تفاسیر هدفم را تغییر دادم و رفتم حسابداری. البته به شغلش هم فکر کرده بودم. همه می‌گفتند می‌توانی بروی در بانک کار کنی. خودم هم راضی بودم آن موقع. ولی وقتی رفتم دانشگاه، از رشته خوشم نیامد. خیلی سخت‌تر از آن چیزی بود که فکر می‌کردم. به همین خاطر تا فوق‌دیپلم بیشتر نخواندم. و قصد داشتم در ادامه بروم رشته‌ی مورد علاقه‌ام. ولی تا الآن که نشده. از این رشته هم در زندگی استفاده خاصی نکردم. از بس که سخت بود، فقط پاس می‌کردیم. پشیمان نیستم البته. خوشحال هم هستم. حداقل دوست داشتم بروم دانشگاه که بتوانم توی جامعه باشم و با یک جمع بزرگتر آشنا شدم. ولی پشیمانم از اینکه رشته مورد علاقه‌ام را نتوانستم ادامه بدهم.

یادداشت



ابراهیم جولافیان
کارشناس علوم تربیتی

مقدمه

آیا علم به خودی خود خوب است؟ پاسخ این پرسش اظهار من الشمس است. جالب است وقتی خداوند درباره‌ی ارزش علم سخن به میان می‌آورد برای آن دلیل ذکر نمی‌کند و نشان می‌دهد که مطلوب بودن نفس علم از بدیهیات است. آیه ۹ سوره زمر «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعلَمُونَ» استفهام انکاری است. استفهام انکاری، منفی(خیر) است بدون اینکه پرسش شونده دلیل بیاورد. مثلا آیا روشنایی شب و روز برابر است؟ هرگز. البته بر کسی هم پوشیده نیست که علوم از حیث ارزش در یک درجه نیستند و هر علم در معنی قدیم و ارسطویی آن از هشت بعد بررسی می‌شود که به آن رئوس ثمانیه گویند. موضوع علم، فایده علم و غرض آن، سه بعد از هشت بعد است که تقریبا جایگاه هر علم را مشخص می‌سازد. برای مثال علم طب در مقایسه با علم فیزیک. کدام یک جایگاه والاتری دارد؟ موضوع علم طب جسم انسان. موضوع علم فیزیک بررسی قوانین بیرونی حاکم بر جهان. فایده علم طب، شناخت عوامل موثر در سلامتی جسم انسان که غرض از شناخت، کسب سلامتی بدن است و فایده علم فیزیک شناخت قوانین حاکم بر طبیعت و غرض از آن به استخدام درآوردن طبیعت است. با یک حساب سرانگشتی می‌توان برتری علم طب بر فیزیک را بدست آورد؛ زیرا سلامت جسمانی، مقدمه‌ی فعالیت‌های بشر است. و قدمت علم طب بعد از علم نفس، از همه علوم بیشتر است. پس بحثی در اینکه علوم در یک درجه نیستند نداریم.

کدام علم را بیاموزیم؟

قبل از هر چیز، بر پیشانی هر کس نوشته شده که چه استعدادی دارد و در کدام زمینه موفق‌تر است. اینگونه نیست که استعداد و سلاقی افراد یکسان باشد و این یکی از نعمت‌های خداوند است؛ زیرا جامعه حکم ماشینی دارد که افراد، قطعات آن را تشکیل می‌دهند. اگر همه‌ی قطعات مثل هم و یک نوع کارایی داشته باشند ماشین جامعه شکل نخواهد گرفت و مایحتاج

سه سؤال اساسی

کدام علم را بیاموزیم؟
در تحصیل علم، عنصر علاقه مهم‌تر است یا استعداد؟
آیا همه‌ی افراد لازم است تحصیل علم کنند؟

ابتدای راه ترسیم کرده بود.

نگاه اجتماعی

اما اگر نگاه اجتماعی داشته باشیم شخصی که در زمینه‌ی خاص استعداد دارد با تلاش نسبی در آن زمینه می‌تواند متخصص علم و فن خود در جامعه باشد و یک متخصص برای اجتماع منفعت زیادی دارد هر چند ممکن است علاقه‌اش حرف دیگری بزند و رضایت شخصی درونی نداشته باشد. البته تاثیر علاقه در هیچ کاری نمی‌توان نادید گرفت.

آیا همه‌ی افراد لازم است تحصیل علم کنند؟

علم، هدف غایی انسان نیست که همه ناگزیر به کسب آن باشند اما اساسی‌ترین ابزار در رسیدن به هدف نهایی است. هدفی که برای انسان ترسیم شده بدون علم، تحقق نمی‌یابد. متأسفانه وقتی صحبت از علم می‌شود ذهن افراد به تحصیلات آکادمیک میل می‌کند. بیشتر از این نمی‌شد در حق علم جفا کرد که در ساختمان مدرسه و کتاب محصور کنیم و بدتر از آن نگاه شغلی داشته باشیم. مگر چه مدت طولانی به ما مهلت دادند که روزی شش ساعت کسب علم کافی باشد؟ آیا این همه تجهیزات شناخت و عقل تنها برای استفاده‌ی شش ساعته قرار داده شده؟ انسان شبانه روز در حال دریافت است و باید غرق تفکر باشد. اگر تامل نداشته باشد دریافت‌های خود را هدر داده است. وقتی نگاهمان را تغییر دهیم آنوقت مشکلات شغلی، اقتصادی، مکانی، زمانی و... برای طلب علم کنار می‌روند و هر کسی به تناسب ظرفیت و استعداد خود در هر شرایطی و با هر ابزاری(کتاب، معلم، دانشگاه و ...)، مشتتی از خروار بی‌نهایت آفرینش برمی‌دارد و اندوخته می‌کند. با این نگاه، انسان از کسب علم حتی ناکارآمدترین و بی ارزش‌ترین آن پشیمان نمی‌شود. ممکن است از انتخاب نوع علمی که آموخته پشیمان باشد اما از اینکه علم آموخته نمی‌تواند پشیمان باشد؛ زیرا انسان خواهی نخواهی در مسیر کسب علم قرار دارد(مجال بحث نیست) و در آخر برمی‌گردیم به نقل قول اول خودمان: «آیا آنکه می‌داند با آنکه نمی‌داند برابر است؟»

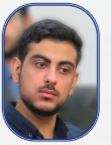
بشر رفع نخواهد شد. اصلا ذات جامعه ریشه در نیازهای بشری دارد. اینکه می‌گویند انسان مدنی بالطبع است، گزاف می‌گویند. انسان ذاتا اجتماعی نیست و این نیازهای اوست که او را وادار به زندگی اجتماعی می‌کند. درست است که برآورده کردن نیاز ریشه در فطرت دارد اما فطرت نمی‌گوید برو جامعه بساز تا بتوانی نیازت را برطرف کنی. او فقط حکم به رفع نیاز می‌کند نه چیز دیگر. بشر اگر قادر بود همه‌ی نیازهایش را شخصا برآورده کند به هیچ عنوان دست به ساخت جامعه و وضع قوانین نمی‌زد. پس انسان به ضرورت موجودی اجتماعی است نه به ذات. بنابراین در جامعه هنرمندی لازم است که استعداد افراد را کشف کند و به بهترین مسیر هدایت کند که در نهایت از آن بهره‌مند گردد.

در تحصیل علم، عنصر علاقه مهم‌تر است یا استعداد؟

هر فردی برای تحصیل علم قهرا با این دو عنصر مواجه است. حال گاهی علاقه و استعداد هم‌سو هستند که بهترین حالت ممکن است که بیشترین حالت بازدهی دارد و گاهی علاقه و استعداد فرد هماهنگ نیست که این بدترین حالت است. حال اگر شخصی در بدترین حالت قرار گرفت باید با توجه به علاقه‌اش تحصیل علم کند یا استعداد؟ نمی‌توان پاسخ صددرصدی به این پرسش داد و بستگی دارد از کدام نگاه به مساله بپردازیم. نگاه فردی یا نگاه اجتماعی؟

نگاه فردی

اگر نگاه فردی داشته باشیم قطعاً علاقه حرف اول را می‌زند و به تبع آن تلاشی که زاییده‌ی علاقه است می‌تواند مقداری ضعف استعداد را جبران کند اما نه همه‌ی آن را؛ و اگر شخص به همه‌ی اهداف خود در زمینه‌ی علاقه‌اش نرسد قطعاً به درصدی از آن خواهد رسید. اما متخصص بماهو متخصص نسبت به آن استعدادی که اگر در آن زمینه فعالیت می‌کرد و نابغه می‌شد و می‌توانست گامی بزرگ برای اجتماع بردارد نیست. حال در نهایت رضایت درونی دارد یا خیر بستگی دارد به افقی که برای خود در



محمد امین نورانی
دانشجوی مهندسی مکانیک

حالا چند سالی می‌شود که هر دانش‌آموزی که به سد بزرگ کنکور می‌رسد، حداقل یک‌بار اسم مشاوره‌ها و همایش‌های نردبان به گوشش خورده است. حضور چند تن از اعضای هیأت محبان اهل بیت (ع) در شورای مرکزی نردبان و موضوع این شماره نشریه که به دانشجو اختصاص یافته، بهانه‌ای شد برای گفت‌وگویی با صادق حاجی‌پور، محمد شیروان، عرفان محسن‌زاده، علی مهبیایی و علی‌اکبر زمانی، از اعضای هیأت محبان اهل بیت (ع).

محمد شیروان، دانشجوی رشته مشاوره دانشگاه فرهنگیان و عضو شورای مرکزی دوم نردبان، در خصوص نحوه آشنایی‌اش با نردبان می‌گوید: «سال ۹۷ که در کنکور شرکت کردم، مصادف با شروع به کار نردبان بود و در همان سال اولین شورای مرکزی شکل گرفته بود. به واسطه بعضی از دوستان که از اعضای هیئت موسس نردبان بودند و در بحث انتخاب رشته و مشاوره من را راهنمایی کردند، با گروه نردبان آشنا شدم.»

علی‌اکبر زمانی نیز که دانشجوی مهندسی برق دانشگاه شیراز است نحوه آشنایی‌اش با نردبان را اینطور بیان می‌کند: «زمانی که دانش‌آموز بودم از طریق کارگاه‌هایی که نردبان برای کنکوری‌ها برگزار می‌کرد با نردبان آشنا شدم و بعد از ورود به دانشگاه وارد شورای عمومی نردبان شدم.» او که از اعضای شورای مرکزی سوم نردبان است دلیل ورود به شورای مرکزی را این‌طور بیان می‌کند: «هدف من واقعا شورای مرکزی نبود اما با توجه به تجربیاتی که از خود نردبانی‌ها به من منتقل شده بود سعی کردم با دو هدف اصلی وارد شورای مرکزی بشوم؛ اول اینکه بتوانم کمکی به کنکوری‌ها و دانشجویان کرده باشم و عیب و نقص‌هایی را که می‌دیدم با کمک بقیه برطرف کنم و دوم برای کسب تجربه شخصی؛ شاید دانشجو بودن را بهتر درک کنم و چه تشکلی بهتر از نردبان؟»

علی مهبیایی، دانشجوی علوم پزشکی کرمان، عضو دیگر شورای مرکزی سوم، دلیل خود را اینگونه مطرح می‌کند: «دلیل ورود من به شورای مرکزی این بود که کمبودهایی را در بخش آموزش و بخش

هیأت محبان اهل بیت (ع) در نردبان گفت‌وگو با پنج عضو مشترک هیأت محبان اهل بیت (ع) و شورای مرکزی نردبان

دانشجویی دیدم که با توجه به ایده‌هایی که داشتم و تجربه موفقی که در کارگاه انتخاب رشته داشتم به نظر خودم می‌توانستم در این دو مورد با کمک اعضای شورای عمومی نردبان، به پیشرفت شهر کمک کنم.»

صادق حاجی‌پور، دانشجوی سابق رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان و معلم ابتدایی، از زمان تأسیس نردبان، در تمامی برنامه‌ها حضور داشته و در بسیاری از آنها از جمله تجلیل از رتبه‌های برتر، برگزاری کارگاه تربیت مشاور، ارائه کنفرانس گپ نقش داشته است، توانست عضو اولین شورای مرکزی نردبان شود. حاجی‌پور در مورد نقش دانشجویان در نردبان می‌گوید: «سال‌های ابتدایی تشکیل نردبان عمده اعضای آن را دانشجویان تشکیل می‌دادند؛ به طوری که نردبان را گاهی، گروه دانشجویی نردبان عنوان می‌کردیم اما بعد از گسترده شدن تشکیلات و تعدد و تنوع برنامه‌های اجرایی به توانایی‌ها و استعدادهای بیشتری نیاز داشتیم. هرچند هنوز هم دانشجویان بخش اصلی این تشکر را تشکیل می‌دهند اما نیروهای توانمند و بااستعداد زیادی هم داریم که دانشجو نیستند. اما اگر بخواهیم به طور مشخص از نقش دانشجویان در نردبان صحبت کنیم، شاید بشود گفت بازوی اصلی نردبان را همین دانشجویان تشکیل می‌دهند و فکر می‌کنم دلیل پویایی نردبان هم همین است که نقش اصلی را دانشجویان بر عهده دارند.»

محمد شیروان که هم‌اکنون مسئول روابط عمومی هیأت محبان اهل بیت (ع) می‌باشد، نیز معتقد است: «بحث آموزش وظیفه یک قشر نیست پس نمی‌توان گفت در تشکیلات نردبان فقط یک قشر خاص مثلا دانشجویان یا فارغ التحصیلان حضور داشته باشند. آموزش شامل همه افراد جامعه می‌شود و همه اعضای نردبان از هر قشری با کمک یکدیگر، بحث آموزش را در جامعه جلو می‌برند. جالب است بدانید خیلی از مواقع رابط بین دانش‌آموزان و نردبان، دبیرانی هستند که در تشکیلات نردبان حضور دارند. با اینکه اعضای اجرایی برنامه‌های نردبان اکثرا دانشجو هستند اما نمی‌شود گفت در نردبان فقط دانشجویان مسئولیت دارند و کار می‌کنند.»

عرفان محسن‌زاده، دانشجوی علوم پزشکی جهرم و عضو شورای مرکزی دوم، در این خصوص می‌گوید: «موتور محرکه اصلی

مشاوره می‌گیرند و آنها نیز بدون تعصب از رشته خودشان صحبت می‌کنند و اطلاعات مورد نیاز را به دانش‌آموزان می‌دهند می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد.»

محمد شیروان نیز در پاسخ به این سوال می‌گوید: «یکی از انتقاداتی که امسال به نردبان وارد می‌کردند این بود که ارائه‌دهندگان مشاوره در کارگاه‌های نردبان اکثرا در رشته مشاوره تحصیل نکرده‌اند و به معنای آکادمیک مشاور نیستند. به عنوان کسی که رشته‌ام مشاوره است معتقدم در بسیاری از مواقع داشتن تجربه، از تحصیل در رشته مشاوره بالاتر است. کسی که در رشته‌ی خاصی تحصیل می‌کند آن رشته را درک می‌کند و هر چه جلوتر می‌رود تخصص او در آن رشته بیشتر می‌شود و فارغ التحصیلان آن رشته نیز وضعیت شغلی آن رشته را بهتر درک می‌کنند. کسی که در رشته مشاوره تحصیل کرده است در مورد رشته‌های دیگر که از دروس و دانشگاه‌ها و شرایط شغلی آن اطلاعی ندارد نمی‌تواند کمک زیادی به دانش‌آموزان کند. یک مشاور شاید از کلیات یک رشته آگاه باشد اما چون آن رشته را درک نکرده است نمی‌تواند به اندازه کافی به دانش‌آموزان کمک کند.»

عرفان محسن‌زاده در خصوص نقاط قوت و ضعف نردبان می‌گوید: «از نقاط قوت نردبان می‌شود به بدنه‌ی جوان و پویا اشاره کرد. پویایی تشکیلات هم به این معناست که اعضا به روزرسانی می‌شوند و هر سال تعداد زیادی عضو به نردبان اضافه می‌شوند بر خلاف خیلی از تشکرها و گروه‌ها که بعد از چند دوره از کار می‌افتند. یک نقطه ضعف هم که می‌شود عنوان کرد این است که هنوز معلوم نیست نردبان، سمن است یا انجمن یا تشکر. که البته بحث ثبت و هدمند شدنش هم در دست پیگیری است و یکی از موانع آن روند طولانی کار اداری است.»

علی‌اکبر زمانی در این مورد می‌گوید: «یکی از نقاط قوت نردبان، این است که یک محیط خوب برای کسب تجربه، به اشتراک گذاشتن تجربه و

عملی کردن ایده‌هاست. البته نقطه قوت اصلی مجموعه، آن تأثیر مثبت آموزشی، فرهنگی و علمی است که علاوه بر تأثیر روی دانشجویان و دانش‌آموزان، روی بقیه افراد هم تأثیرگذار است. یکی از نقاط ضعف نردبان هم این است که آن پتانسیل‌ها و استعدادهایی جذب کرده است و دارد را به طور کامل استفاده نکرده است.»

محمد شیروان هم پیرامون نقاط ضعف و قوت نردبان می‌گوید: «از نقاط قوت نردبان می‌توان به برخورداری از نیروی جوان با استعداد و پر انرژی، مقبولیت بین دانش‌آموزان، خانواده‌های آنها و بسیاری از مسئولین، حمایت خیرین، تحصیل کرده‌ها، ادارات و نهادهای مختلف از نردبان اشاره کرد. از نقاط ضعف نردبان نیز می‌توان عدم بودجه ثابت را نام برد.» او در ادامه از مسئولین شهرستان ابراز گل‌مندی در

سطح شهرستان از جانب خیلی از مسئولین شاهد نامهربانی‌هایی هستیم. با توجه به اینکه نردبان تأثیرگذاری خودش را نشان داده است ولی متأسفانه مسئولین آنقدر که به حاشیه توجه می‌کنند به متن توجه نمی‌کنند. یک انتقادی از بعضی از همشهریان دارم که در مورد مجموعه نردبان حاشیه ایجاد می‌کنند. آموزش بحثی نیست که فقط اعضای محدودی بتوانند کار کنند بلکه مستلزم این است که همه اعضا جامعه دست به دست هم دهند و این هدف را محقق کنند.» عرفان محسن‌زاده نیز می‌گوید: «با توجه به شناختی که من از بچه‌های نردبان دارم، می‌خواهم روی این موضوع تأکید کنم که تمام فعالیت‌های ما، همان‌طور که برای خیلی از مردم اثبات شده، در راستای منافع مردم شهر هست و بچه‌ها دارند با تمام وجود برای پیشرفت شهر ما به می‌گذارند. در پایان لازم می‌دانم هم از اعضای نردبان، هم از افراد و سازمان‌هایی که به ما اعتماد و از ما حمایت کردند تشکر کنم. یک سری شایعات و حواشی هست که با توجه به اعضای فعال، می‌شود متوجه اشتباه بودنش شد.»



صادق حاجی‌پور



محمد شیروان



عرفان محسن‌زاده



علی مهبیایی



علی‌اکبر زمانی



مجتبی بنی‌اسدی

سردبیر

پرونده‌ی این شماره فانوس، کلی از دانشجو و روزش حرف می‌زند. یک قدم بیاییم عقب‌تر؛ دانش‌آموز. کمی محدوده را تنگ‌تر کنیم می‌شود «دانش‌آموزان گراش». حال که آمده‌ایم سراغ محسن افشار، باید خیلی از دامنه‌ی وسیع خود، کوتاه بیااییم. پس عنوان گزارش می‌شود «آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان گراش».

سیمت افشار در اداره‌ی آموزش و پرورش گراش، به تنهایی یک گزارش است: «کارشناس تربیت بدنی، بهداشت و سلامت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی».

حوزه سلامت و بهداشت

پست‌بندی دبیران تربیت‌بدنی، مربیان بهداشت و رابط‌های آسیب‌های اجتماعی در هر مدرسه با آقای افشار است. افشار تنها مشکل در حوزه بهداشت و سلامت را کمبود نیرو نیز می‌داند. چرا؟ افشار ادامه می‌دهد: «کمبود نیرو یکی از مشکلات اساسی سال‌های اخیر است که یکی از دلایل آن عدم ورود و عدم استخدام نیروهای بومی به حوزه‌های تخصصی تربیت بدنی و بهداشت می‌باشد. در حوزه سلامت و بهداشت ما فقط دو نیروی رسمی بهداشت داریم که آنها هم فقط خانم هستند که هر کدام کار بهداشت ۳ مدرسه را انجام می‌دهند. ما با وجود کمبود نیرو، اما به دلیل دانشکده علوم پزشکی که خیلی خوب و تخصصی با مربیان ما همکاری می‌کنند، در این حوزه مشکل خاصی نداریم. جا دارد همین جا که از مدیران و مربیان بهداشت مدارس و کارشناسان مرکز بهداشت تشکر کنم.» افشار گریزی هم به ایام کرونا دارد و می‌گوید: «این همکاری و هماهنگی و تعامل در ایام کرونا چند برابر شده و در ۲۴ ساعت شبانه روز پیگیر وضعیت مدارس و دانش‌آموزان و همکاران هستیم. ارتباط و تعامل خوب دو ارگان باعث شده کارها به شکل مطلوبی انجام شود.» افشار می‌گوید: «از استان هم اذعان دارند که یکی از مناطقی که ارتباط خوبی بین آموزش و پرورش و علوم پزشکی وجود دارد، گراش است.»

افشار یک انتقاد را بازگو می‌کند: «یکی از انتقاداتی که از ما در زمینه عدم اعلام دانش‌آموزان و همکاران مبتلا به کرونا می‌شوند، این بود که شما باید اعلام کنید تا همه بفهمند. ولی بعد روانی آن را در نظر نمی‌گرفتند. مواجه شدن و مبتلا شدن به این بیماری برای هر شخصی متفاوت است یکی راحت کنار می‌آید. یک نفر دیگر لحاظ روانی و استرس نمی‌تواند با آن کنار بیاورد. در جلسه‌ای که در کمیته بهداشت مدیریت آموزش و پرورش گرفته شد، تصمیم بر آن شد که فقط به مدیران اعلام شود. مدیران نیز به خانواده‌ها اعلام می‌کردند. تعیین تکلیف در مورد تعطیلی کلاس مدرسه بر اساس تصمیمات ستاد کرونا و دستورات به وزارت و در نهایت تصمیم شورای مدرسه بود.»

در رابطه با آسیب‌های اجتماعی هم می‌گوید: «حوزه فعالیت آسیب‌های اجتماعی خیلی گسترده است. از مواد مخدر و سیگار تا مشاوره‌های خانوادگی را پوشش می‌دهد. البته رابط‌های آسیب اجتماعی یک پست نیست. بیشتر کسانی که علاقمند هستند همکاری می‌کنند. و نکته‌ی دیگر اینکه حوزه فعالیت پیشگیری از آسیب‌ها خیلی گسترده و مهم است. آن قدر مهم و اساسی است که در ۲۴ ساعت شبانه روز باید درگیر باشی تا بلکه گره‌ای از مشکلات دانش‌آموزان را باز کنی. تا مشکلات تبدیل به چالش جدی و بحران نشود.»

رد پای مدواخ و تیغ‌زنی در حوزه آسیب‌های اجتماعی

افشار ده سال سابقه دارد و با حساب امسال، چهارمین سال فعالیت او به عنوان کارشناس پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی است. به همین خاطر با آسیب‌ها، معضلات و مشکلات دانش‌آموزان آشناست. همین ابتدا مدارس پسران و دختران را از هم سوا می‌کنم و می‌پرسم: «در مدارس پسران یا دانش‌آموزان پسر کدام آسیب اجتماعی در رأس قرار می‌گیرد؟» افشار می‌گوید: «با توجه به گزارش‌هایی که به ما رسیده، مبحث مدواخ در اولویت است. البته نمی‌توانیم این موضوع را اختصاص بدهیم به مدارس، این آسیب مربوط به کل شهرستان است. ولی موضوع مدواخ یک مسئله و معضل همه‌گیر است ولی در سطح بالاتر خیلی تلاشی برای رفع این معضل صورت نمی‌گیرد.»

افشار کمی دامنه را گسترده‌تر می‌کند و توضیح می‌دهد: «یک سری آسیب‌ها هستند

آسیب‌های اجتماعی نوجوانان، از بیان تا راهکار

محسن افشار، فعال فرهنگی - اجتماعی: اگر هر کدام از خیرین ما یک مشاور خوب داشتند، با هزینه‌هایی که وارد این شهر می‌شد، می‌توانستیم کارهای خوبی برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی شهر انجام دهیم.



»

با توجه به گزارش‌هایی که به ما رسیده، مبحث مدواخ در اولویت است. البته نمی‌توانیم این موضوع را اختصاص بدهیم به مدارس، این آسیب مربوط به کل شهرستان است.

که در شهر ما به عنوان آسیب شناخته می‌شود ولی در شهرهای دیگر و حتی شهرهای مجاور آسیب محسوب نمی‌شوند. آسیب‌ها در هر شهر و دیار متفاوت است.» البته افشار یک آسیب اجتماعی مشترک بین دانش‌آموزان پسر و دختر را هم مطرح می‌کند. می‌گوید: «استفاده بیش از حد از فضای مجازی یک آسیب مشترک است. که این خود ممکن است آسیب‌های دیگری را به دنبال داشته باشد. البته به اعتقاد بنده فقر مالی و به دنبال آن فقر فرهنگی ریشه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است. باز خدا را شکر در شهری هستیم که خیرین ما زبان‌زد شهر ما گریبان‌گیر مشکلات و معضلات بیشتری بود. به عنوان مثال می‌توان اینگونه صحبت‌هایم را تکمیل کنم که اکثر اعتیادها، طلاق‌ها، خودکشی‌ها، ترک تحصیل‌ها و... مسبب اصلی آن فقر مالی است.»

کارشناس پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، آسیب‌های شایع در دختران در این دوره‌ای که هستیم بیشتر شامل استرس و اضطراب می‌شود ولی در دوران قبل از کرونا، یکی از آسیب‌های شایع تیغ‌زنی بود. او می‌گوید: «با توجه به اینکه مشاوران مدارس، فعالیت‌های خیلی خوبی داشتند، خدا را شکر تا حدودی به کمتر شدن این آسیب کمک کرده است.»

راهکارها چیست؟

افشار از راهکارها هم غافل نیست. می‌گوید: «ما در کارشناسی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی اداره، از سه سال پیش یک شعاری را انتخاب کردیم و فعالیت‌ها را حول این شعار انجام می‌دادیم. و آن شعار شامل ۳ کلمه بود: «معنویت، هنر، ورزش»

او مفصل توضیح می‌دهد: «خوب من از اینجا شروع کنم: از سوی وزارت آموزش و پرورش سالانه جشنواره‌ای برگزار می‌شود با عنوان جشنواره نوجوان سالم که امسال دهمین سال برگزاری آن است. این جشنواره شامل رشته‌های فرهنگی هنری می‌شود که هم دانش‌آموزان، هم همکاران و هم والدین می‌توانند در آن شرکت کنند و در حوزه آسیب‌های اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ما برنامه‌ریزی این جشنواره را از تابستان شروع می‌کردیم و از مهرماه کلاس‌ها و کارگاه‌های تخصصی ویژه همکاران و دانش‌آموزان برگزار می‌کردیم، که ضمن توانمندسازی، دانش‌آموزان علاقمند شناسایی می‌شدند و روی آن‌ها کار می‌شد. خدا را شکر نتیجه‌ای که سال

قبل گرفتیم، دلیل بر این ادعا شد که مسیر درستی را طی می‌کنیم.»

افشار نتیجه‌ی این جشنواره را اعلام می‌کند و می‌گوید: «کسب ۵۷ مقام استانی توسط دانش‌آموزان، والدین و همکاران و کسب مقام ششم استان از بین ۶۰ منطقه، نشان از توانمندی این شهرستان بوده است. در بخش ورزش هم حمایت‌هایی که از دانش‌آموز می‌شود، در اختیار قرار دادن رایگان سالن‌های ورزشی، دادن بن‌های ورزشی و جوایز خوب، باعث شد که دانش‌آموزان به سمت ورزش ترغیب شوند. یا به طور مثال در ورزشگاه محبی ما یک همایش بزرگ ورزشی با عنوان «روز شاد دختران ورزشکار» در ۳۰ رشته‌ی ورزش مختلف برگزار کردیم. که استقبال خوب والدین و حضور این همه استعداد ورزشی در یک مکان و زمان مشخص، نیاز دختران به یک مجموعه تخصصی فرهنگی ورزشی ویژه بانوان بیش از پیش احساس شد.»

معنویت، بخش سوم شعار اوست که نام هیأت محبان اهل‌بیت (ع) نیز دیده می‌شود. او توضیح می‌دهد: «در بحث معنویت علاوه بر برگزاری و حمایت از مراسمات و مسابقات با موضوعات مختلف معنوی، پای هیأت محبان اهل‌بیت (ع) هم به موضوع باز می‌شود. جایی که به شکل ویژه‌ای روی معنویت جوانان کار می‌شود. حتی هیأت دانش‌آموزی محبان اهل‌بیت (ع) هم راه‌اندازی شده که در زمینه‌های مختلف روی نوجوانان و جوانان کار می‌شود.»

البته در بخش معنویت در بحث شهدا نیز ورود پیدا کرده‌اند. افشار می‌گوید: «اولین مسابقه فیلم کوتاه شهدا را برگزار کردیم. یک موضوع ویژه برای شهید سلیمانی و یک موضوع هم در خصوص شهدا و جانبازان و رزمندگان شهر برگزار کردیم.»

نقش خیرین در رفع آسیب‌های اجتماعی

اگر هر کدام از خیرین ما یک مشاور خوب داشتند، هزینه‌هایی که وارد این شهر می‌شد، می‌توانستیم کارهای خوبی برا پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی شهر انجام دهیم. افزایش فضاهای ورزشی پارک‌ها، ایجاد سالن‌ها و چمن‌های مصنوعی کوچک، می‌تواند از راهکارهای خوبی باشد. به اعتقاد من با ایجاد یک فضای ورزشی، از آن طرف یک یا چند آسیب از کل شهر کم می‌شود. و هر چه در حوزه ورزش کار و سرمایه‌گذاری کنیم کار گزافی نکرده‌ایم. ما در صورتی می‌توانیم از جوانان در زمینه آسیب‌های اجتماعی انتقاد کنیم که بستر را فراهم کرده باشیم. مسئولی که برای جوانان این شهر گامی برداشته و هیچ اقدامی نکرده و بستر پیشگیری از آسیب‌ها را فراهم نکرده، نباید به خود اجازه دهد انتقاد کند و به آن موضوع حتی اشاره کند.

پرایدم را بیشتر از خودم دوست دارم

داستان طنز

لیلا رایگان

عضو انجمن ادبی چشمه

احوالات یک دانشجو

شعر طنز

در شبی فکرم به حالم گریه کرد
مغز پوکم بر گذشته تکیه کرد

سرگذشت مبداء بیکاری ام
خواب دانشگاهی و بیداری ام

برگ برگ جزوه‌ی تحقیق و تز
عاری از فهم کلام و مشتمل

خوابگاهی همچو زندان او بین
ناخوشی وقت زمستان فین و فین

گشنگی‌ها قار و قور پشت هم
جیب بی پول و ژتون‌های شکم

حسرت شام و ناهار مادری
این بلایی بود از خودباوری

در خیالم مدرک دلخواه من
شد بلیط کهکشان راه من

طی نمودم ترم با گام فراخ
کله پا بودم چو میمون روی شاخ

عینکی ته استکانی روی چشم
خسته از تکرار دانشگاه قشم

زنگ می زد همکلاسی مشنگ
رفته خارج از پی کاری قشنگ

درهم و دینار او فول آب و آب
جیره‌ی من تست های یک کتاب

آن یکی شد قاطی مرغان چاق
من غزل خوان می شمردم تیر طاق

دختران پاس کرده درس عشق
می پریدند از حریم ترس عشق

تلخ می شد کام آنها با سرشک
ناز می کردند اما من زرشک

الغرض با روشنی فکری جدید
قفل دربستم به روی هر کلید

حال با مدرک خماری می کنم
پنجه در مو سوگواری می کنم

محمدامین عبدالهی

داستان نویسنده

«بوق...بوق...بوق...»
پراید سفید حرکت کن.

- ای بابا، خُب چراغ قرمزها! آقا لطف
می کنید توی ماشین سیگار نکشید؟

خوب این یک روز عادی زندگی من
است. بیایید خودم را معرفی کنم. میلاد
هستم. شاید خنده دار باشد، اما دکترای
فیزیک کوانتوم دارم. شاید نفهمید
اصلاً کوانتوم چی هست. ساده بگویم
در وضعیت فعلی کشور هیچ فرقی با
رشته آبیاری گیاهان دریایی (!) ندارد.
و حالا به خاطر وضعیت قاراشمیش
جامعه مجبورم اسنپ کار کنم. البته
پیشنهاد بورسیه از کشورهای مختلف
مثل دانمارک داشتم، اما دوست ندارم
مادر بزرگ پیرم را تنها بگذارم. مقداری
هم غیرت ملی دارم و آب خارجی از
گلویم پایین نمی رود.

به درد اسنپ هم نمی خورم، چون
مردم دوست دارند در مسیر، با راننده
از نرخ ارز دلار و سکه گرفته تا موقعیت
ژئوپلیتیک ایران صحبت کنند. اما من
تنها چیزی که تعریف کردنش را خوب
بلد هستم مباحث مربوط به نظریه
شروودینگر یا یگانگی جهان و مکانیک
نیوتونی است. بعید می دانم کسی
بفهمد چه می گویم.
هیچ می دانستید اگر ۵ درصد از

مساحت کویر لوت را برای
تولید انرژی خورشیدی استفاده کنیم،
می توانیم کل برق ایران و بخشی از
خاورمیانه را هم تأمین کنیم؟ البته
ربطی به صحبت هایم نداشت اما گفتم
که بدانید کشور ما چقدر پتانسیل
علمی، فرهنگی، جغرافیایی دارد. از حق
نگذیریم از شغلم خیلی راضی هستم.
گفتم که عرق ملی دارم. هر روز صبح
مردم را می بینم، در صف نانوایی بحث
سیاسی می کنند و من فقط سر تکان
می دهم. بچه ها را می بینم که به
مدرسه می روند و هر از گاهی رهگذری
مشاوره درسی به آن ها می دهم. کسانی
که پرداخت هزینه برای شان سخت
است را مجانی می برم، با مسافرها هم
کل کل می کنم، می گویم و می خندیم.
مردم خوبی داریم. خیلی خوب.

پرایدم را از خودم بیشتر دوست دارم.
تبدیلش کردم به یک کتابخانه سیار،
به مسافرها هم کتاب امانت می دهم.
البته وقتی رانندگی می کنم کمی
صدای ناهنجار می دهد. اما هر وقت با
پرایدم دل به جاده می زنم، به عظمت
پروردگار پی می برم. دقیقاً مثل مواقعی
که در دانشگاه، فیزیک کوانتوم را با
فلسفه ترکیب می کردیم. کسی چه
می داند شاید مسافر بعدیم شما باشید.
راستی پشت شیشه ماشین نوشته ام:

«مَقْصَدُو وِلش، اَز مَسیرِ لَدَتِ پَبر»

محمدجواد سیاح

داستان نویسنده

شترق

داستان طنز

دانشگاهش را تازه تمام کرده بود.

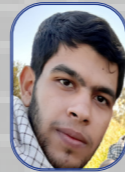
چند روزی بیشتر نبود که فوق لیسانس
حقوق داشت. قصد داشت برود سربازی.
کوله را به دوشش انداخت. دستی به سر
کچلش کشید و یک صندلی مانده به آخر
اتوبوس نشست.

اتوبوس که راه افتاد، پسرچه‌ای ایستاد تا
چیزی را از بالای سرش بردارد. اتوبوس ترمز
گرفت و پسرچه افتاد. سر باز پوزخندی زد.

پشت سر سر باز پیرمردی نشسته
بود که هوس کرد با کف دست چروکش
به سر کچل سر باز بزند. با خودش کلنجار
می رفت که بزمن یا نه. تا اینکه تصمیم
گرفت بزند.

سرباز با خود گفت: «خدایا کارم اشتباه
نبود که خندیدم.» که ناگهان صدای
شترق کل اتوبوس پیچید. سرش را چرخاند
و به پیرمرد خیره شد. گفت: «حقم بود. من
خودم چند سال حقوق خوانده ام ولی حقی
کوچک بچه را رعایت نکردم.»

مستندی برای ۱۸ ساله‌ها: داوطلبین عزیز...



سجاد فیروزی
دانشجو

داوطلبین عزیز
کارگردان: محمدحسن یادگاری
کاری از موسسه فرهنگی آرمان مدیا

ساعات اولیه صبح... سالن شماره دو...
شماره صندلی...

نوای قرآن...
گوینده: داوطلبین عزیز با نام و یاد
خدا و با آرزوی موفقیت دفترچه سوالات
عمومی را برداشته ...
رابطین اجرای بند شماره ۲....

چه کلمات و جملات عجیبی چرا
بعضی‌ها را نمی شنویم، فهمیدن منظور
برخی جملات چقدر برای ما سخت
شده؛ مگه سن و سال بالایی داریم که
بگوییم دچار عوارض پیری شده‌ایم.
تقریباً همه‌ی ما این کلمات و جملات
را در سن ۱۸ سالگی شنیده‌ایم اما
اضطراب و استرس این بلا به سر ما
آورده است. اضطراب و استرس از آینده
نامعلوم، از دعاها و نگرانی‌های پدر و
مادرها که منتظر دیدن سربلندی ما
کنکوری‌ها حس کرده‌اند و شاید هنوز
به یاد دارند.

داوطلبین عزیز روایت کسانی است
که از سد کنکور عبور کرده‌اند. بخشی
از آنها بدلیل استرس، کنکور را خراب
کردند و مطمئن هستند که رتبه
مناسبی نمی‌آورند و این دغدغه را دنبال
می‌کنند که انتخاب رشته کنند یا
یکسال دیگر پشت کنکور بمانند. اما
برخی دیگر در رشته‌ای قبول شده‌اند
که مورد علاقه آنها نیست که به اصرار
والدین در این رشته مشغول به تحصیل
می‌باشند. محسن یکی از همین افراد
است که علاقه شدیدی به هنر دارد
ولی در حال تحصیل در رشته مهندسی
هوافضا می‌باشد و به صورت مخفیانه در
کلاس‌های تئاتر شرکت کرده است. این
بخش از مستند حرف دل و ناگفته‌های
خیلی‌ها می‌باشد که شاید هنوز آن
را بیان نکرده‌اند. داوطلبین عزیز ۴۱
دقیقه از وقت مخاطبان را می‌گیرد و
داستان‌های این افراد را روایت می‌کند
و نتیجه‌گیری را به بیننده واگذار می‌کند
با دیدن این مستند به این فکر کنیم
که چقدر در مسیر علاقه خود قدم
برداشتیم.

داوطلبین عزیز

دهکده‌ی خاک بر سر!



محمد دانشپور
طلبه

شدند. «دهکده خاک بر سر» اثر نویسنده خوش قلم سرکار خانم «فائزه غفار حدادی» است که کتاب‌هایی مثل «یک محسن عزیز»، «سر بر خاک دهکده» و «خط مقدم» را به خوبی به رشته تحریر درآورده است. این کتاب خاطرات و تجربه‌های خود نویسنده که به صورت روزنوشت و در قالب سفرنامه است با جزئیاتی دقیق لحظاتی شیرینی را برای خواننده رقم می‌زند. در ارتباط‌گیری با مردم شهری که فرانسوی صحبت می‌کنند و کمتر کسی است که به زبان انگلیسی صحبت کند گذراندن امور برای زنی که یک فرزند چهار ساله و جنینی در شکم دارد سخت است. یکی از ویژگی‌های جذاب این کتاب این است که وقتی یک اتفاق جدی را روایت می‌کند و خودش نیز اشک می‌ریزد دست از طنز بازی بر نمی‌دارد و تلاش می‌کند این

فضا را حفظ کند. از خوبی‌های همسفر شدن با این نویسنده این است که با فرهنگ عجیب غریب آن‌ها که با آداب و رسوم ما ایرانیان همخوانی ندارد آشنا می‌شوید و بهتر احساس می‌کنید که زندگی کردن در چنین شرایطی کار چندان آسانی نیست. پیشنهاد می‌کنم این کتاب را کسانی مطالعه کنند که دوست دارند با مردم و شهر لوزان آشنا شوند و یک سفر رایگان بدون خستگی و بدون کرونا داشته باشند، با نویسنده محترمه، همسفر شوند.



از دهکده خاک بر سر می‌خواهم بگویم که نویسنده‌اش با زبان بی‌زبانی قریب به یکسال در آن دهکده زندگی کرده است. در فضای مجازی با کتاب «دهکده خاک بر سر» آشنا شدم. اولین نکته‌ای که نظرم را متوجه خود کرد، اسم عجیب غریب کتاب بود. پیگیر شدم و کتاب را از خود نویسنده تهیه کردم. یادم است وقتی کتاب رسید خادم مدرسه مرا صدا زد و گفت: «بسته‌ای از پست برای شما رسیده است.» در همان حین، بسته را باز کردم، خادم مدرسه که پیرمردی مهربان بود، تا اسم کتاب را دید، گفت: «آقای دانشور این چه کتاب‌هایی است که می‌خوانید؟! چند نفر از دوستان هم متعجب شدند. بعداً با گفتن خلاصه‌ای داستان از کتاب، متوجه خاک بر سر بودن اسم کتاب



محمد بنی‌اسدی
دانشجوی علوم قرآن و حدیث

آموزش تخصصی کارگروه‌ها، در دستور کار مسئول جدید هیأت محبان اهل بیت (ع)

معرفی

ابوطالب سپهر

متاهل

صاحب یک فرزند

۲۶ ساله

دانشجوی کارشناسی مهندسی نرم‌افزار

خلاصه سوابق

- فرمانده و عضو شورای پایگاه مقاومت صاحب‌الزمان (ع)
- عضو شورای سیاست‌گذاری هیأت محبان اهل بیت (ع)
- فعالیت در کانون‌های فرهنگی مساجد محمد رسول‌الله (ص)، قمر بنی‌هاشم و صاحب‌الزمان (عج)
- فعالیت در مجمع‌القرآن فاطمیون
- مسئول بخش اردویی هیأت محبان اهل بیت (ع)

اهداف

- طبق نیازسنجی‌هایی که در مرحله شناخت قوت‌ها و ضعف‌های مجموعه‌ی هیأت انجام شد، و همچنین در نظر داشتن افق گام دوم فعالیت‌های هیأت محبان اهل بیت (ع)، و با در نظر داشتن شرایط کرونایی که کار را برای مجموعه در بعضی از ابعاد سخت کرده است، امسال تصمیم داریم با توکل بر خدا ضمن ادامه‌ی روند سابق فعالیت‌های هیأت در زمینه‌های زیر به نتیجه مطلوبی برسیم.
- ۱- سازمان‌دهی بهتر نفرات و کار تشکیلاتی در ابعاد مختلف فعالیت‌ها
- ۲- آموزش تخصصی کارگروه‌های اجرایی هیأت



۳- ارتباط‌گیری با مجموعه‌های فرهنگی و هیأت‌های مطرح کشوری

۴- بروزرسانی بسترها و سازوکارهای اجرایی کارگروه‌ها تا حد توان

چارت تشکیلاتی هیأت محبان اهل بیت (ع)

اعضای هیأت مؤسس: خسرو جولافیان، یدالله سالاری و حجت‌الاسلام عالیپور

مسئول کارگروه‌های اجرایی هیأت

اعضای شورای سیاست‌گذاری هیأت محبان اهل بیت (ع):
حجت‌الاسلام فخاری،
مهدی کهندلی، یدالله سالاری،
ابوطالب سپهر،
مجتبی بنی‌اسدی

جانشین: مهدی کهندلی

مسئول هیأت: ابوطالب سپهر

مسئول اجرا و هماهنگی: علی‌اکبر مقتداری

مسئول نشریه و کتاب: مجتبی بنی‌اسدی

مسئول روابط عمومی: محمد شیروان

مسئول هیأت دانش آموزی: محمد دانشپور

مسئول اردویی و ورزشی: حامد بابا احمدی

مسئول رسانه: میثم کهن سال

مسئول صوت: عارف بابا احمدی

مسئول واحد خواهران: خانم شکری

مسئول تدارکات: محمدرضا جعفری

صندوق قرض الحسنه: خلیل جاوید

مسئول مالی: محمد حسن عباسپور

خیمه‌گاه و ایستگاه صلواتی: امیرزارعیان

مسئول کانون فرهنگی مسجد: عباس بهزادی

مسئول کارگروه سرود: مهدی کهندلی

مسئول گروه جهادی: علیرضا خشنود



طراح: میثم کهنسال

هیأت محبان اهل بیت (ع) - تهران

جهاد ادامه دارد...



چند یادداشت از نوقلمان هیأت دانش آموزی

کرونا، ویروس دنیاگیر



علی قاندى
۱۲ ساله

ویروس کرونا برای اولین بار در دسامبر ۲۰۱۹ در شهر ووهان استان هوبئی چین شناسایی شد. این نوع ویروس کرونا از نوع کرونا ویروس حاد تنفسی است. چیزی نگذشت تا اینکه ویروس کرونا کل جهان را فرا گرفت و در ۱۱ مارس، سازمان جهانی بهداشت شیوع بیماری را دنیاگیری اعلام کرد و تا ۲۰ مهر ۱۳۹۹ در دنیا ۳۷ میلیون و ۴۷۰ هزار و ۸۸۴ نفر به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند و از این تعداد یک میلیون و ۷۷ هزار و ۵۰۷ نفر فوت کرده‌اند و در کشور خودمان هم تا امروز (۲۰ مهر ۱۳۹۹) ۵۰۰ هزار و ۷۵ نفر به این ویروس مبتلا شده‌اند و متأسفانه ۲۸ هزار و ۵۴۴ نفر جان خود را از دست داده‌اند.

علائم شایع کرونا تب، سرفه و خستگی است و علائم کمتر شایع کرونا عبارت‌اند از درد و کوفتگی گلو درد، سر درد، از دست دادن حس چشایی و بویایی و ... علائم جدی و خطرناک کرونا مشکل در تنفس، درد یا فشار قفسه سینه و از دست دادن توانایی تکلم یا حرکت کردن است که با مواجهه شدن با آنها باید سریع به پزشک مراجعه کنیم.

این ویروس به دلیل اینکه بسیار سریع جهش پیدا می‌کند تا حالا واکسن آن کشف نشده. این ویروس همه‌کس را مبتلا می‌کند و هیچ فرقی ندارد و اگر کسی یکبار به کرونا مبتلا شود امکان دارد دوباره مبتلا شود و هرگز از کرونا در امان نیست. این همه‌گیری، اقتصاد جهان را فلج کرده و باعث تعطیلی بسیاری از شغل‌ها شده که در آمد خانواده‌ها را قطع کرده است.

برای پیشگیری و جلوگیری از گسترش ویروس کرونا راه‌هایی وجود دارد:

- ۱- در خانه بمانیم که موثرترین راه برای پیشگیری از کرونا است.
- ۲- اگر مجبور شدیم از خانه بیرون برویم حتما ماسک بزنیم.
- ۳- دست‌های خود را مرتب با آب و صابون بشوییم.
- ۴- فاصله ۱،۵ الی ۲ متری را با افراد رعایت کنیم.

بیاید همه با انجام دادن این کارها از خودمان و دیگران محافظت کنیم.

مهمانی باغ سیب



مجید فیروزی
۱۴ ساله

«مهمانی باغ سیب» داستان بلندی از حادثه‌ها و حماسه‌های یاران و اصحاب پیامبر اکرم (ص) است. داوود امیریان در این اثر داستانی، خوانندگان خود را به تاریخ پرفراز و نشیب و پرفراز عصر بعثت می‌برد و آنان را برای ساعاتی مهمان باغ سیب پیامبر (ص) می‌کند.

داوود امیریان، متولد سال ۴۹ است. او به اقتضای شغل پدرش، در شهرهای مختلفی زندگی کرده و اوایل سال ۱۳۶۵ با دستکاری شناسنامه خود، داوطلبانه به جنگ ایران و عراق رفت. او در عملیات‌های همچون کربلای ۱ و ۵، بیت‌المقدس ۴ و مرصاد شرکت کرد.

در سال ۱۳۶۹ با نوشتن خاطره‌ای از فرمانده شهید خود، با دفتر ادبیات و هنر آشنا شد و شاغل آنجا گردید. از آن پس به تألیف و تدوین خاطرات خود و دیگران پرداخت و سپس در عرصه سینما به فیلمنامه‌نویسی روی آورد. آثار وی عبارت از: فرزندان ایرانیم، تولد یک پروانه، جام جهانی در جوادیه و ...

بخشی از کتاب

«همه با فریاد حمزه از جا پریدند. از چشمان حمزه انگار آتش زبانه می‌کشید. پوست گندم گونش تیره و کمان در دست راستش می‌لرزید. حمزه رو به ابولهب فریاد زد: «تو برادر منی، عموی محمدامین هستی؟ فرزند عبدالمطلب هستی؟ ننگ بر تو، غیرت کجاست؟ به او حمله کنند، دشنامش بدهند و تو لال شوی و هیچ کاری نکنی؟ کجاست آن بی‌غیرتی که جرئت کرده به عزیزتر از جان من توهین کند.»

نمی‌دانستم هیأت کجاست و یعنی چه!



محمد مهدی روانشاد
۱۳ ساله

یکی از دلایلی که باعث شد کمی از هیأت دور بمانیم، این بیماری منحوس کرونا بود که باز هم نتوانست ما را از هیأت دور کند و حدود یک الی سه ماه چهارشنبه شب‌ها به صورت مجازی از طریق پخش زنده اینستاگرام، هیأت را دنبال می‌کردیم. اما باز هم هیأت مجازی مثل هیأت قدیم نبود. قبل از این بیماری وقتی وارد هیأت می‌شدیم یک گوشه‌ای را انتخاب می‌کردیم و می‌نشستیم. اما دیگر هیأت مثل قبلا نمی‌شد. تا اینکه ماه محرم رسید و دوباره هیأت به صورت حضوری و بار رعایت کامل دستورالعمل‌های بهداشتی شروع به کار کرد. خیلی هیأت از قبل بهتر شد و ده روز اول محرم را آن جا سپری کردیم. در یک فاصله‌ی زمانی کوتاهی این بار دوباره هیأت شروع شده و چهارشنبه شب‌ها در حیاط حسینی‌ای ابوالفضل به آنجا می‌رویم و این‌بار مثل قبل از کرونا شده و با کمی تفاوت، آن هم دستورالعمل‌های بهداشتی که کاملا رعایت می‌شود.

حالا که این همه از هیأت گفتم بگذارید کمی از هیأت، قبل از کرونا بگویم. یادم هست زمانی که سن کمتری داشتم اصلا نمی‌دانستم هیأت کجاست و یعنی چه.

تا اینکه یکی از معلم‌های‌مان به نام محمد درستکار (اهل فسا) سر کلاس گفت که هر کس به هیأت بیاید به او نمره‌ی تشویقی می‌دهم. من هم برای اینکه نمره بگیرم به هیأت نوجوانان محبان اهل بیت رفتم. یک حس و حال خاصی داشتم، آنجا بود که از آن موقع به بعد دیگر برای نمره نرفتم و کلا یک آدم دیگری شدم، و حالا حدود دو سال هست که به هیأت دانش‌آموزش می‌روم و همچنین هیأت عمومی.

خلاصه خیلی‌ها را به هیأت دعوت کرده‌ام که آمده‌اند و کلا فرق کردند. بعضی‌ها فکر می‌کنند، هیأت یعنی فقط عزاداری و گریه، نه، اینطور نیست اینجا همه‌ی کارها سر جایش هست، یعنی کار به موقع خودش، خنده و شوخی هم سر جایش، و عزاداری هم جای خودش. هیأت هم برنامه‌های جالبی دارد که باید خودتان ببینید! خدا را شکر می‌کنم که توانستم به هیأت بیایم و از کسانی که من را در این راه همراهی کردند تشکر می‌کنم.

یادداشت

راضیه سیاح
دانش‌جو معلم



شاید شما هم بارها عبارت‌هایی از جمله «بسیجی‌های بی‌سواد، بسیجی‌های تندرو و...» شنیده باشید. خوب حالا می‌خواهم با دیدگاهی کاملا منطقی و روشنفکرانه برایتان اثبات کنم که چرا بسیجی‌ها بی‌سواد هستند!

اولین دلیل، بسیجی‌های بی‌سواد نمی‌دانند وقت کار و خدمت فقط ایام انتخابات است که به رأی مردم نیاز هست. هی‌تا سرشان خلوت می‌شود می‌آیند اردوی جهادی راه می‌اندازند و توقع ملت را بالا می‌برند و کار را در ایام انتخابات برای ما روشنفکرها سخت می‌کنند!

دومین دلیل، اینها آن‌قدر بی‌سوادند که هی‌تا به قول خودشان در عرصه‌ی عمل فعالیت می‌کنند و نمی‌دانند حرف زدن انرژی و وقت کمتری می‌خواهد! باید به جای تندرور بازی درآوردن و به قول خودشان اقدام عملی، بنشینند و جملات روشنفکرانه و زیبا سر هم کنند! البته که ما روشنفکرها از باب تجربه و دلسوزی اینها را می‌گوییم چون بارها توانستیم با همین جملات زیبا و وعده‌های ناب، ورق را به نفع خودمان برگردانیم و جامعه را با خود همراه کنیم.

سومین دلیل، این بسیجی‌های بی‌سواد هی سعی می‌کنند مسائل کم‌اهمیتی مثل مشکلات ودغدغه‌های مردم را به عنوان اولویت کشور جا بزنند و حواس مردم و مسئولین را به همین مسائل جزئی و حاشیه‌ای پرت کنند! چون بی‌سوادند، نمی‌گذارند که ما روشنفکرها به مسائل مهم‌تر و اولویت‌دارتری مثل دعوای جناحی و خاله‌زنک‌بازی‌های سیاسی بپردازیم و حق این مسائل حیاتی را ادا کنیم!

چهارمین دلیل، این تندروهای افراطی هی‌تا اتفاق می‌افتد، از سیل و کرونا و زلزله و داعش گرفته تا بحران کمبود آب آشامیدنی و آتش‌سوزی جنگل‌ها می‌دوند وسط میدان و شروع می‌کنند به عوام‌فریبی! چرا می‌گوییم عوام‌فریبی؟ خوب جواب واضح است! ما روشنفکرها با همکاری



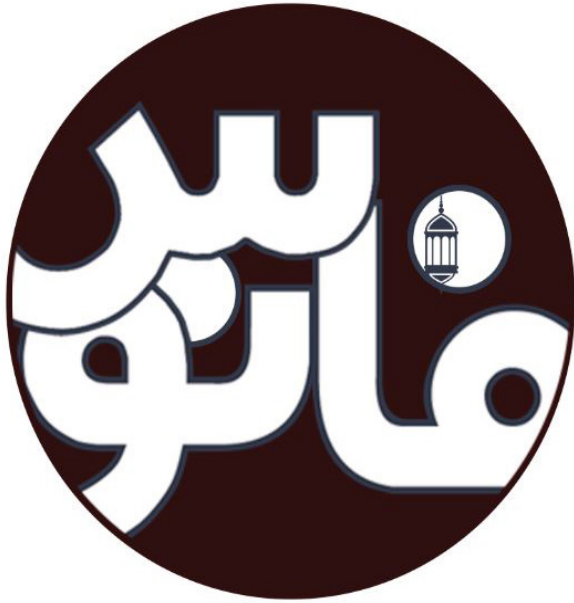
بسیجی‌ها بی‌سوادند، با سند و مدرک!

براندازان بارها دلیل هریک از این بحران‌ها را ذکر کرده‌ایم. اگر زلزله بیاید قطعاً دارند بمبی زیر زمین امتحان می‌کنند! علت سیل هم این است که مسیر رود را تغییر داده‌اند! کرونا راهم که معلوم است دیگر، خودشان ساخته‌اند تا مخالفین‌شان را ترور بیولوژیکی کنند! برای علت خشک‌سالی هم احتمال می‌دهیم از بس این تندروها زود به زود تشنه می‌شوند و خیلی آب می‌خورند، به وجود آمده است! حالا مهم نیست که برای این استدلال‌ها دلایل کارشناسی و منطقی نداریم؛ مهم این است که اینها را ما می‌گوییم و به آن اعتقاد داریم! چه دلیلی معتبرتر از این که نظر ما همین است؟!

پنجمین دلیل، چون بی‌سوادند و زبان دنیا را بلد نیستند و الفبای دیپلماسی را نمی‌دانند که چگونه می‌توان فتح‌الفتوح کرد و باغستان گلابی کاشت؛ می‌افتند دنبال چهار تا تیر و تفنگ و به قول خودشان موشک می‌سازند! نه من از شما که تحصیل کرده‌ی جامعه هستم می‌پرسم: ساختن موشک بالستیک نقطه‌زن با برد چند صد کیلومتری افتخار بیشتری دارد یا قدم زدن با جان کری در خیابان‌های ژنو سوئیس؟! معلوم است دیگر. ما هم قضاوت را به خودتان می‌سپاریم!

پی‌نوشت: این‌ها را از این جهت نوشتم که فقط کم و کیف ماجرا دست‌تان بیاید و الا امروز دیگر هر عقل سلیمی می‌داند که چه کسانی دلسوزان و خدمت‌گزاران واقعی جامعه هستند و چه کسانی فقط لب و دهن‌اند و در عرصه‌ی حرف ید طولایی دارند!





فصلنامه داخلی هیات محبان اهل بیت (ع) گرایش

صاحب امتیاز: هیات هفتگی محبان اهل بیت (ع) گرایش

مدیر مسئول: ابوطالب سپهر

سر دبیر: مجتبی بنی اسدی

با همکاری کانال خبری پندری

مهدی وفايي فرد ۰۹۱۷۸۸۱۴۳۹۴

مجتبی بنی اسدی ۰۹۳۷۸۴۳۹۱۴۲

@heiatmohebanahlbeit



www.aparat.com/heiat haftegi



برنامه اجرایی آذرماه هیات محبان اهل بیت (علیهم السلام)

مدفعیان اهل بیت (ع) - گرایش

برنامه های اصلی

چهارشنبه ۹۹/۹/۱۹	گرامیداشت روز دانشجو	چهارشنبه ۹۹/۹/۱۷	گرامیداشت روز مجلس	چهارشنبه ۹۹/۹/۱۵	وفات حضرت معصومه (س)
شنبه ۹۹/۹/۲۹	ولادت حضرت زینب (س)	چهارشنبه ۹۹/۹/۲۷	مناجات با امام زمان (عج)		

فوق برنامه ها

پنج شنبه ۹۹/۹/۷	گرامیداشت هفتاد و پنج سال	دوشنبه ۹۹/۹/۳	برنامه ورزشی و اردویی	شنبه ۹۹/۹/۱	جسد قرآن
جمعه ۹۹/۹/۱۴	کار جهادی	سه شنبه ۹۹/۹/۱۱	شمیر رضوان	دوشنبه ۹۹/۹/۱۰	برنامه ورزشی و اردویی
جمعه ۹۹/۹/۲۱	کار جهادی	دوشنبه ۹۹/۹/۱۷	برنامه ورزشی و اردویی	یکشنبه ۹۹/۹/۱۷	انتشار نشریه فائوسی (هفتمین شماره)
شنبه ۹۹/۹/۲۵	شمیر رضوان	دوشنبه ۹۹/۹/۱۷	برنامه ورزشی و اردویی	دوشنبه ۹۹/۹/۱۷	دوشنبه ۹۹/۹/۱۷

ویژه برنامه آموزشی آذرماه: کارگاه رسانه

طراح: میثم کهنسال

توضیح:

«با توجه به وضعیت نامساعد شهرستان و موج سوم بیماری کرونا تا اطلاع ثانوی ادامه‌ی برنامه‌ها و فعالیت‌های در نظر گرفته شده برای مجموعه هیات محبان اهل بیت (ع) به صورت مجازی خواهد بود.»

دوره عمومی کارگاه رسانه به صورت مجازی و دوره تخصصی آن پس از بهبود شرایط بیماری، در آینده برقرار می‌گردد.

فعالیت‌های فوق برنامه هیات نیز تا برداشته شدن محدودیت‌ها لغو می‌باشد و شروع کار متعاقباً اعلام می‌شود.

به امید نابودی ویروس منحوس کرونا...

با هیات محبان اهل بیت (ع) گرایش همراه باشید...